

موضوع عام: امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد عام

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: بررسی کلام مرحوم خوئی

باسمه تعالی

- ۱..... **امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد**
- ۱..... مرحله دوم: امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد عام
- ۱..... بررسی امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد عام بر مسلک عینیت
- ۴..... بیان مختار استاد
- ۴..... ثمره بحث امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد

موضوع: بررسی کلام مرحوم خوئی / امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد عام / امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد آن

خلاصه مباحث گذشته:

این جلسه حاوی خلاصه مباحث جلسه گذشته است و از نوشتن خلاصه مباحث خود داری شده است.

امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد**مرحله دوم: امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد عام****بررسی امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد عام بر مسلک عینیت**

بحث در مورد امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد عام بر مسلک نظریه عینیت بود. مرحوم خوئی فرموده بود: امر و نهی نمی-توانند عین هم باشند؛ زیرا در سه مرحله با هم اختلاف دارند. مرحله اول در مبدا است که گفتیم اختلاف امر و نهی در مبدا برهان ندارد؛ یعنی معقول است که مصلحت در فعل، منشا نهی از ترک بشود و مفسده در ترک، منشا امر به فعل بشود. آنچه ما در صدور امر و نهی از مولای حکیم لازم داریم این است که جزاف نباشد و مبرر داشته باشد؛ اما اینکه دقیقاً باید امر در جایی باشد که باید در فعل مصلحت باشد و نهی در جایی باشد که باید در فعل مفسده باشد، دلیل ندارد.

مرحله دوم اختلاف، مرحله اعتبار بود. ما باید ببینیم که حقیقت وجوب و حرمت چیست؟ مرحوم خوئی بر مبنای خودش فرموده است: حقیقت امر، اعتبار فعلی بر عهده مکلف است که با امر ابراز شده است. در نهی نیز اعتبار محرومیت مکلف از فعل و ابراز آن با نهی است؛ پس امر و نهی در ناحیه اعتبار متباین هستند و عینیت معنا ندارد.

از وجوب و حرمت تفسیر های دیگری نیز هست. مثلاً مرحوم آخوند می‌فرماید: مدلول امر و نهی، طلب انشائی است (طلب فعل و طلب ترک) اما فعلیت آن انشاء ها به فعلیت اراده و کراهت است. در حقیقت می‌توان گفت: مرحوم آخوند حقیقت امر فعلی، اراده مبرزه و حقیقت نهی فعلی را، کراهت مبرزه می‌داند. در مقام انشاء نیز هر دو را طلب انشائی می‌داند.

بنا بر این تفسیر نیز در مرحله انشاء و مرحله فعلیت عینیت وجود ندارد؛ زیرا در یکی طلب فعل با هیئت امر یا با ماده وجوب و در دیگری با هیئت نهی و ماده آن، طلب ترک می‌شود. در یکی فعلیت به اراده و در دیگری فعلیت به کراهت است. هم در ناحیه منشأ و هم در ناحیه حقیقتشان متفاوت هستند. اراده فعل و کراهت فعل دو چیزی هستند که متقوم به نفس مولا است. ما هر چند که در مبادی حکم قبول کردیم، امر به شیئی نهی از ضد خاص هست و امر به شیئی ابراز حب و ابراز بغض به اضداد خاصه است؛ اما در مرحله اراده و کراهت دلیلی بر چنین مطلبی نداریم. این که مولا در مورد امرش، هم اراده فعل و هم کراهت ترک را داشته باشد، دلیل ندارد. مجرد اراده فعل هم کافی است هر چند که کراهت از ترک را در نفسش ایجاد نکند؛ پس بر مبنای مرحوم آخوند نیز امر و نهی با هم تفاوت دارند.

همچنین بر مبنای مرحوم اصفهانی و کسانی که اراده و کراهت و اعتبار ثبوت فعل بر عهده را انکار می‌کنند و قائل هستند که واجبات و محرمات امور اعتباریه هستند که ورائی به غیر از اعتبار ندارند. بله؛ دواعی مختلفی وجود دارد. چیزی که حقیقت وجوب است، بعث اعتباری است و با الفاظ آن بعث اعتباری ابراز می‌شود. در نهی نیز زجر اعتباری است و بین بعث و زجر نیز تباین وجود دارد.

این که کسی بگوید: در جایی که مولا بعث به سوی چیزی می‌کند، همان طوری که امر به آن کرده است، همچنین انشاء بازداشتن از ترک را کرده است، گفتنی نیست؛ یعنی بعث نحو الفعل عین بازداشتن از ترک آن باشد، صحیح نیست؛ زیرا همان طوری که در تکوینیات بعث و بازداشتن دو واقعیت هستند، همچنین در وعاء اعتبار نیز بعث و زجر مباین هستند؛ لذا بنا بر این مبانی معروف، وجهی برای عینیت داشتن امر و نهی از ضد عام نیست.

ان قلت: بنا بر این مسلک که نهی، طلب ترک است و امر، طلب فعل است، عینیت بر قرار می‌شود؛ یعنی امر، طلب فعل است و نهی، طلب ترک است و ترک ترک نیز همان طلب فعل است؛ لذا گفته می‌شود که منشأ عینیت همین مطلب است.

قلت: ما دنبال این هستیم که طلب ترک منهی عنه و مبعوض بشود، تا ثمره بر آن مترتب بشود. نظیر مسلک دلالت امر به شیئی و نهی از ضد آن تضمناً. بنا بر این مسلک گفته می‌شود: امر به شیئی مرکب از رجحان فعل و منع از ترک است که منع از ترک جزئی از وجوب است که ثمره آن این است که ترک ممنوع می‌شود. یا مرحوم آخوند می‌فرمود: منع از ترک لازمه وجوب

موضوع عام: امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد عام

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: بررسی کلام مرحوم خوئی

است و ترک ممنوع می‌شود؛ اما بنا بر مطلبی که در سوال گذشت، ترک ممنوع نشده است؛ زیرا یا طلب ترک ترک همان طلب الفعل است و به مقام اثبات رجوع می‌کند و چیزی غیر از اختلاف در الفاظ نیست و یا گفته می‌شود: طلب ترک ترک، عرضی است و حقیقی نیست. علی ای حال چیزی که ما دنبال آن هستیم این است که ترک را منهی عنه کنیم. این که در مقام عبارت، ترک ترک را مطلوب کنیم، اثری برای ما ندارد و باید ترک شرعا مبغوض شود تا ثمره مترتب شود و الا ادعای عینیت خاصیتی ندارد.

مرحوم خوئی در مرحله امتثال فرمود: امر و نهی در مقام امتثال هم تباین دارند؛ زیرا امر انبعاث در مقام امتثال و نهی انزجار در مقام امتثال است. بهتر این است که بگوییم ما این مطلب را نفهمیدیم. هر چند که امر به فعل و نهی از فعل در منتهی با هم مباین هستند؛ ولی کلام ما در امر به فعل و نهی از ترک آن فعل است. امر به فعل و نهی از ترک آن فعل در مقام امتثال واحد هستند. اساسا شاید یکی از مناشی ادعای عینیت نیز همین مطلب است که امر به شیئی همان نهی از ترک آن است. نتوانستیم ادعای مرحوم خوئی را بفهمیم.

خلاصه: بهترین تقریب ادعای عینیت این است که نهی، طلب ترک است و نهی از ترک نیز طلب ترک ترک است و طلب ترک ترک، عین امر به فعل است. در جواب گفته شد: این ها دو واقعیت نیستند. علاوه بر این، وحدت امر به شیئی با نهی از ترکش هر چند که در مبدا و در منتهی عینیت داشته باشند؛ ولی در نفس اعتبار، مباین هستند؛ زیرا نفس حقیقت وجوب و حرمت با هم متباین هستند.

پس اولاً دلیل بر عینیت قاصر است و ثانیاً دلیل بر خلاف عینیت داریم.

مرحوم آخوند بعد از این که اثبات کرد، امر به شیئی لزوماً نهی از ضد خاص است با شبهه ای مواجه شده است و آن این است که در خیلی از موارد ما با این مطلب مواجه می‌شویم که یک فعل هم امر و هم نهی دارد. مثلاً نماز هم امر به فعل دارد و هم نهی از ترک دارد.

در جواب فرموده است: در این موارد، نهی از ترک، نهی حقیقی نیست و نهی عرضی و عبارت دیگر همان امر است. مثلاً گاهی اوقات پدر به فرزند می‌گوید درس بخوان و گاهی اوقات می‌گوید: درس خواندن ترک نشود. یا مثلاً خداوند می‌فرماید: ﴿فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ در این آیه شریفه خداوند امر می‌کند و بعد می‌فرماید: بیع را رها کنید که همان امر به نماز جمعه است. ذرو یک امر دیگری نیست؛ بلکه تاکید همان امر اول است.

موضوع عام: امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد عام

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: بررسی کلام مرحوم خوئی

نکته ای که در این جا وجود دارد این است که محال نیست یک چیزی هم امر و هم نهی داشته باشد. ممکن است در بعضی موارد امر و نهی حقیقی باشند؛ زیرا ممکن است یک چیزی در شریعت باشد که فعل آن مصلحت داشته باشد و ترک آن نیز مفسده داشته باشد. شاید نماز این گونه باشد که فعلش مصلحت دارد و ترک مفسده دارد.

همان طوری که می شود یک فعلی در مبدا فعلش مصلحت و ترکش مفسده داشته باشد، همچنین فعلش امر و ترکش نهی داشته باشد و نهی آن نیز عرضی و مجازی نباشد. صدور چنین نهیی نیز لغو نیست؛ بلکه به غرض تاکید صادر می شود. همان طوری که کرارا شارع امر به نماز کرده است، نهی از ترک نماز هم کرده است. نهی از ترک نماز به خاطر تاکید آن عرضی است که دارد؛ پس این که همه جا نهی عرضی باشد، قابل تصدیق نیست؛ بلکه در بعضی افعال هم امر و هم نهی حقیقی است و نهی نیز به غرض تاکید است.

شاید اشدّیت عقوبت نماز به خاطر همین مطلب باشد که در صورت عصیان، دو خطاب مخالفت شده است. اشکالی ندارد که یک موردی محل اجتماع امر و نهی حقیقتا باشد.

بیان مختار استاد

همان طوری که وجهی برای اقتضای امر به شیئی و نهی از ضد عام به نحو تضمن و التزام نیست، همچنین به نحو عینیت نیز دلیلی نداریم؛ ولیکن مع ذلک می گوئیم: بعید نیست که امر به شیئی ابراز محبوبیت و بالالتزام ابراز مبعوضیت ترک آن است. منشا این مطلب نیز غلبه است. غالب مواردی که ما چیزی را دوست داریم، در نفسمان ترکش را مبعوض می دانیم، هر چند که مبعوضیت در طول دوست داشتن ما باشد و مبعوضیت ما غیري باشد.

نتیجه: اقتضاء در مرحله مبادی تمام است و در مرحله احکام ناتمام است.

ثمره بحث امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد

مرحوم آخوند بعد از بحث اقتضاء، وارد در بحث ثمره شده است.^۱ ثمره بحث، فساد ضد عبادی است؛ یعنی اگر امر به شیئی اقتضای نهی از ضد خاص را داشته باشد، نتیجه آن این است که در جایی که ما امر اهمی به چیزی داشته باشیم و آن امر اهم را ترک کنیم و مشغول ضد عبادی بشویم، بنا بر اقتضاء و نهی مقتضی فساد است، حکم به فساد عمل می شود و بنا بر عدم اقتضاء حکم به صحت می شود.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۳۳.

موضوع عام: امر به شیئی و اقتضای نهی از ضد عام

مقرر: مهدی خیشه

موضوع خاص: بررسی کلام مرحوم خوئی

مثلاً کسی که ازاله نجاست نمی‌کند و مشغول به خواندن نماز در سعه وقت می‌شود، صحت این نماز منوط به بحث اقتضاء است. اگر امر به شیئی مقتضی نهی از ضد خاص باشد، نماز حرام است و بنا بر این که نهی از عبادت موجب فساد آن است، نماز فاسد است. یا اینکه اگر امر به شیئی اقتضای نهی از ضد عام را داشته باشد، ضد عام ازاله، ترک ازاله است و از راه مقدمیت ما به حرمت ترک ازاله می‌رسیم و نماز حرام می‌شود.

در مقابل ادعای مرحوم آخوند دو نظر مخالف وجود دارد. مرحوم نائینی می‌فرماید: بنا بر اقتضاء، نماز صحیح است. مرحوم شیخ بهائی نیز فرموده است: بنا بر عدم اقتضاء نیز نماز باطل است. در ادامه مرحوم آخوند اشاره به رد مرحوم شیخ بهائی پرداخته است. ما باید اولاً بررسی کنیم که آیا بنا بر اقتضاء، ضد عبادی صحیح است یا نه؟ اگر در این مرحله ادعای مرحوم نائینی پذیرفته شد، نوبت به مراحل بعدی نمی‌رسد. اگر ادعای مرحوم نائینی پذیرفته نشد، بحث می‌کنیم که اگر بنا بر اقتضاء ضد عبادی فاسد بود، آیا مصحح دارد یا ندارد؟ و تصحیح آن یا به ملاک و یا به امر ترتبی و یا به امر به جامع است. ادامه بحث در جلسه آینده.